

ضرورت استنباط «اصول حاکم بر گردشگری» از قرآن

ابراهیم رضایی آدریانی^۱

عبدالمجید فقیهی^۲

چکیده:

سفر و گردشگری گرچه امر نوپدید نیست و در تمامی اعصار وجود داشته است، اما در دوران معاصر رونق بی سابقه ای یافته است و با توجه به رشد تکنولوژی و علوم تجربی، ابعاد متعدد و مختلفی پیدا کرده است. از دیگر سوی، هدف قرآن کریم هدایت همه جانبه بشر است و این هدایت تمامی ابعاد زندگی او را پوشش می دهد. جامعیت و جاودانگی قرآن اقتضا می کند آنچه بشر در مسیر رشد و کمال خود به آن نیاز دارد را بیان کرده باشد و چنین نیز هست.

اینجاست که ضرورت استنباط تمامی مسائل مستحدثه از قرآن آشکار می گردد و گردشگری نیز از این قاعده مستثنی نیست و هدف از نگارش این مقاله، تأکید بر این مقوله و اثبات آن است. از این رو پس از بیان کلیات و مفهوم شناسی، با تمسک به دلایل عقلی و نقلی، این ضرورت به اثبات رسیده و در ادامه آثار استنباط فقه گردشگری قرآن، و ویژگی های تشریحات قرآنی تشریح شده است. در پایان نیز نمونه هایی از آموزه های قرآنی در حوزه فقه گردشگری، ارائه شده تا جنبه کاربردی این بحث روشن تر گردد.

نتیجه این مقاله آن است که قرآن کریم پاسخگوی تمامی نیازهای بشر در حوزه سبک زندگی در هر زمان و مکان است و استخراج روشمند این ظرفیت عظیم از قرآن، برای قرآن پژوهان و فرهیختگان یک ضرورت به حساب می آید.

کلید واژه ها: قرآن، گردشگری، سیاحت، استنباط، اضطرار به وحی.

ضرورت استنباط «اصول حاکم بر گردشگری» از قرآن



^۱ . erezaei@ymail.com - عضو هیأت علمی جامعه المصطفی اصفهان.

^۲ - abdolmajidfaghihi@gmail.com - کارشناسی ارشد تفسیر اثری دانشکده علامه مجلسی اصفهان.

درآمد:

تفاوت انسان با حیوانات عقل اوست و این عقل حکم می‌کند که انسان برای زندگی در این دنیا به «برنامه» نیاز دارد. برنامه‌ای که تمام ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و جسمی و روحی او را در بر بگیرد و او را به سعادت برساند. اما آیا این عقل قدرت تنظیم و تولید چنین برنامه‌ای را نیز دارد؟ آیا بشر می‌تواند بدون بهره‌گیری از قدرتی ماورایی و آسمانی، تمامی نیازهای خود را برآورده نماید و مسیر کمال را طی کند؟

پاسخ مسلماً منفی است و بشر برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت به برنامه‌ای که از سوی خالق او تنظیم شده باشد «اضطرار» و نیازی همچون نیاز به اکسیژن دارد و بدون آن ره به جایی نمی‌برد.

قرآن کریم پاسخگوی نیاز بشر در هر عصر است و برای رشد و تعالی دنیا و آخرت او برنامه دارد. از دیگر سوی، در یک گردشگری، ده‌ها مسأله فقهی، کلامی، اجتماعی، تربیتی و ... پیش می‌آید که لازم است موضع آیات و روایات در رابطه با هر یک از آنها روشن گردد و رسالت مفسران قرآن کریم و عالمان دینی آن است که این آموزه‌ها را (با در نظر گرفتن مقتضیات هر عصر) به صورت شفاف و روشن از قرآن کریم استخراج کرده، فراروی طالبان آن قرار دهند.

مفهوم‌شناسی:

در طلایه بحث لازم است تصویر روشنی از واژگان کلیدی و پرکاربرد در مقاله ارائه شود و تلاش‌های پیشین دانشمندان در این زمینه منعکس گردد تا آخرین حلقه این زنجیره و گام جدیدی که قرار است این نوشتار بردارد نمایان شود:

در عنوان این مقاله چهار اصطلاح به کار رفته که عبارتند از: «ضرورت»، «استنباط»، «گردشگری» و «قرآن»:

۱- ضرورت:

«ضرورت» و «اضطرار» هر دو از ماده «ض ر ر» هستند. ضرر در مقابل نفع قرار دارد و به معنای آسیب و نقصان وارد شدن به کسی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق. مصطفوی، ۱۳۶۰ ش. ماده ضرر) بنابراین هنگامی که شخصی در معرض آسیب و ضرر است، گفته می‌شود برون رفت از این شرایط برای او «ضرورت» دارد و اگر چنین نشود دچار آسیب و نقصان خواهد شد و او مضطر است.

در این مقاله مراد از «ضرورت» و «اضطرار» دقیقاً همین معناست.

ممکن است کسانی «سبک زندگی قرآنی» را به عنوان یکی از گزینه های موجود، و در کنار سایر مکاتب بشری بپذیرند و یا ترویج نمایند. در حالی که فکر بشر از ارائه الگوی جامع زندگی برای سعادت دنیا و آخرت انسان عاجز است. در نتیجه بشر به کلام وحی «مضطر» است و استنباط آن از قرآن، تنها راه پیش روی اوست که اگر آن را نپیماید هرگز به مقصود نخواهد رسید.

۲- استنباط:

استنباط در لغت از ریشه نبط معنایی شبیه «نبح» دارد و به معنای بیرون زدن آب از چشمه یا چاه است و هنگامی که به باب استفعال برود به معنای استخراج و بیرون کشیدن کاربرد دارد. (ابن فارس، ۱۳۸۷ ش. جوهری، ۱۴۱۰ هـ ق. ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ماده نبط) بر اساس این معنای لغوی، استنباط را در اصطلاح چنین معنا کرده اند:

«بیرون کشیدن معانی و مقاصد از اعماق و ورای ظواهر الفاظ.» (ولایی، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۰)

لازم به ذکر است که قرآن کریم سبک زندگی مطلوبی را برای بشر (در تمامی ابعاد) ترسیم کرده است و هدف از استنباط، تنها کشف آن است نه تولید و ترسیم آن. چراکه این آموزه ها در شریعت مقدس اسلام بیان شده و وظیفه ما تنها استخراج آنها به دور از هر گونه تحمیل بر قرآن است.

۳- گردشگری:

«گردشگری» که ترجمه «توریسم» بوده و عربی آن «سیاحت» می باشد عبارت است از: مجموعه فعالیت های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است. (حیدری چپانه، ۱۳۸۹ ش، ص ۶۵)

کلمه ای را که می توان در زبان عربی در مقابل گردشگری قرار داد «سیاحت» است که از «السیح» به منای آب جاری می باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق. ازهری، ۱۴۲۱ هـ. ق. ماده ساح) و «سیاحت» به معنای سفر کردن همراه با دقت، به قصد عبادت و قرب الهی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ماده ساح) ابن منظور واژه مسیح را نیز از همین ریشه می داند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق ماده ساح) و برخی روایات نیز علت نامیدن پیغمبر خدا را به این لفظ گردشگری وی در سرزمین های مختلف بیان می کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ قج ۷۰، ص ۲۴۴)

کلمه سفر نیز از الفاظی است که با گردشگری رابطه نا گسستنی دارد. سفر را در فارسی به معنای بیرون آمدن از شهر خود و به محل دیگر رفتن آورده اند. (معین، ۱۳۸۶ ش، کلمه سفر) در کتاب سیر و سیاحت در مورد معنای

این کلمه می گوید، به معنای کشف حجاب و کنار زدن پرده است. به این معنی که در سفر مجهولی برای ما معلوم می شود. (ثواقب، رحمانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۵)

شاید به خاطر همین کنار رفتن پرده ها و جهالت ها است که مرحوم فیض کاشانی، می گوید:

«از رهگذر سفر، آدمی از آن چه می هراسد، رهایی می یابد و به آن چه میل دارد، نایل می شود.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳ق ج ۴، ص ۳۹).

۴. قرآن:

واژه قرآن از ماده «قرأ» به معنای جمع کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ماده قرأ) و قرآن، قرآن نامیده شد، زیرا عبارات و آیات را کنار هم جمع می کند یا این که ثمرات کتب نازل شده قبل از خود را جمع کرده است؛ یا این که تمام انواع علوم را در جای خود جای داده است. (عظیم زاده وهمکاران، ۱۳۸۰ش، ص ۱۷۶)

پیشینه:

در زمینه گردشگری و بایسته های دینی و فرهنگی آن تا کنون فعالیت هایی انجام گرفته که ارائه فهرست کتب و مقالات مربوطه خارج از حوصله و رسالت این نوشتار است. اجمالاً می توان به مقاله توریسم و گردشگری از منظر فقه و حقوق نوشته آقایان سعید شیخ (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران) و رامین نیکخو (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم) را نام برد. همچنین برخی نشریه ها به انتشار ویژه نامه هایی با این موضوع پرداخته اند که از آن جمله می توان به شماره ۲ فصلنامه علمی تخصصی قرآن و علوم بشری - سال سوم - پاییز ۱۳۹۳ اشاره کرد که در آن مقاله ای با عنوان گردشگری از دیدگاه قرآن و روایات که آقایان محسن سقائی و مهدی آبدار اصفهانی ارائه کرده اند.

اما با توجه به ابعاد مختلف گردشگری و وسعت موضوعاتی که بشر در دوران معاصر با آنها در ارتباط است، به نظر می رسد هنوز فعالیت مضاعفی در این رابطه نیاز است. در نوشتار حاضر ضرورت پرداختن به این موضوع در سه محور دلایل، ویژگی ها، و نمونه ها سامان یافته است:

یک. دلایل

مکاتب بشری به دنبال ترسیم ساختاری برای زندگی هستند که بیشترین سود و بهره نصیب بشر شود و او را از آفات و موانع موجود مصون بدارد. لذا گردشگری از منظر مکاتب مادی نیز به همین سو حرکت می کند.

اما تردیدی وجود ندارد که بهترین برنامه آن است که بر پایه وحی و کلام خالق ترسیم شود. چرا که علم ما محدود است و بسیاری از جوانب جسم و روح انسان بر ما پوشیده است و تنها خالق است که می تواند با احاطه و علم و قدرت خود برنامه ای کامل برای زندگی ما ترسیم نماید و سعادت ابدی ما را تضمین کند.

الف- ادله برون دینی اضطرار به وحی:

سیر منطقی اقتضا می کند پیش از پرداختن به آیات و روایات، ادله برون دینی و عقلی مطرح شوند تا برای مخاطبانی که هنوز قرآن کریم را نپذیرفته اند، قانع کننده باشد:

۱- عدم احاطه عقل به تمامی نیازهای بشر:

انسان ترکیبی از جسم و روح است و به تبع آن نیازهای او نیز به دو دسته جسمی و روحی تقسیم می شوند. حداکثر توان انسان (پس از تجربه و آزمون و خطای بسیار) آن است که برای نیازهای جسمی خود راه حلی بیندیشد و پاسخی در خور بیابد. اما نیازهای روحی از آنجا که با عالم ماوراء الطبیعه دست به گریبان است و عقل بشر دسترسی به آن ندارد، نیاز به آیین نامه و نقشه راهی دارد که با تسلط و سیطره بر همان عالم تنظیم شده باشد و آن چیزی نیست جز کتاب آسمانی و وحی.

آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) این برهان عقلی را در قالب چهار مقدمه بیان می نماید:

«اثبات ضرورت نزول وحی و بعثت، برای رساندن انسان به سعادت واقعی و حقیقی خود او با این مقدمات تبیین می شود:

الف: آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده است.

ب: انسان، حقیقتی جاودانه است و باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند و اگر در این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.

ج: چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای وی واقف است.

د: اگر غیر خدا بخواهد در این راه قدمی بردارد، چون معصوم نیست، دچار اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه‌های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می‌شود و سقوط و محرومیت ابدی انسان با عنایت و حکمت خداوند سازگار نیست.» (واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ش ۱، ص ۳۶)

۲- خطاپذیری مکاتب بشری:

هر قانونی که با تکیه بر عقل و تجربه بشر نوشته شده باشد احتمال خطا در آن بسیار است و نمی‌توند به طول کامل قابل اعتماد باشد چرا که بر اساس تجربه و استقراء استوار است.

از سوی دیگر با توجه به زندگی جمعی و به تبع آن نیازهای اجتماعی بشر، و همچنین غرائزی همچون سودجویی و حب ذات، قوانینی که بشر وضع کند همواره در معرض جانبداری و خروج از مسیر عدالت است. اما وحی الهی از هرگونه خطا و انحراف مبرا است و عادلانه ترین مقررات را برای بشر وضع می‌کند. (رکنی یزدی، ۱۳۷۹، ش ۱، ص ۱۱)

خطاپذیری مکاتب بشری در طول قرن‌های گذشته به صورت مکرر تجربه شده و تاریخ مکاتب بشری گواه بر این مطلب است. یکی از بزرگان معاصر در این زمینه می‌نویسد:

«وجود مکاتب مختلف و متضاد حقوقی و تغییرات مداومی که بشر پیوسته در مواد قوانین موضوعه خود اعمال می‌کند کاشف از این است که بشر همچنان نیازمند به وحی است و از احاطه کامل علمی برای وضع قوانین برخوردار نیست.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه ق، ص ۵۶۷)

۳- صفات سلبی و ثبوتی حق تعالی:

خدای متعال تنها کسی است که از علم، قدرت، حکمت، ولایت، جود و سخا و مالکیت عالم به طور مطلق برخوردار است و برای تدوین نقشه راه بشر همگی صفات فوق در حد اعلا لازم است. از سوی دیگر باری تعالی از بخل و حسد و هرگونه نیازی مبرا است و مصلحت و مفسده بشر را به او رهنمون می‌شود.

بنابراین هر کسی جز خدا برای انسان برنامه ای تدوین کند به لحاظ کمبودی که در صفات فوق دارد بدون شک برنامه‌ریزی او دارای نقصان خواهد بود. آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در این زمینه چنین می‌نگارد:

«به موجب انصاف خدای متعال به چندین صفت، باید وضع قانون تنها در اختیار او باشد:

۱. همه اشیاء و ارتباطات میان آنها را او آفریده است. ۲. اوست که علم بی‌کران دارد. ۳. اوست که غنی مطلق و جواد علی‌الاطلاق است؛ سود نمی‌خواهد، فقط جود می‌کند. ۴ و ۵. اوست که حکمت بالغه دارد و مالک حقیقی همه جهان آفرینش است. ۶. اوست که ربوبیت تشریحی و مولویت دارد.

پس ملاک احتیاج به قانونگذاری الهی، مجموع همه اوصاف قدرت، خلق، ربوبیت تکوینی، علم، غنا، جود و فیاضیت، حکمت، مالکیت حقیقی، حاکمیت و ولایت است، نه یک یا چند مورد از اینها.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۷۷ تلخیص)

با توجه به مقدمات سه گانه فوق، عقل سلیم حکم می‌کند که تنها راه سعادت و کمال همه جانبه بشر، تمسک به وحی است و هر راهی جز این، او را به مقصد نمی‌رساند.

آنچه گذشت مهم ترین دلایلی بود که برای اثبات اضطرار به وحی می‌توان به آنها تمسک کرد. در کنار این ادله، شواهدی نیز وجود دارد که از مهم ترین آنها می‌توان به «برجستگی های تشریحات قرآن و مقررات اسلام» اشاره کرد.

احکام و آموزه های قرآنی از جهات مختلف بر دیگر قوانین تفوق و برتری دارند و این امتیازات نشان دهنده آن است که هر مکتبی که دستورات خود را از غیر وحی گرفته باشد ناقص است و توان به سعادت رساندن بشر را ندارد.

ویژگی های تشریحات قرآنی:

قرآن کریم از آن جهت که سخن خالق است از هر نقصان و کمبودی مبرا است و همه نیازهای مخلوق را در نظر گرفته است. جهت تکمیل ادله اضطرار به وحی، به پاره ای از این ویژگی ها (متناسب با موضوع بحث) اشاره می‌شود:

۱- توجه به هر دو بعد انسان:

قرآن کریم در کنار در نظر گرفتن جسم انسان و نیازهای آن، به روح و اقتضائات آن نیز توجه دارد و متناسب با هر دو بعد انسان حکم صادر می‌کند. این در حالی است که غالب مکاتب بشری از بعد روحانی بشر غافل شده اند

و تنها به نیازهای جسم پرداخته‌اند. در حالی که سلامت روح اصل است و سلامت جسم به عنوان مقدمه و ابزار برای رسیدن به سلامت روحی اهمیت دارد.

به عنوان نمونه از نگاه مکاتب بشری، بزرگ ترین هدف گردشگری دست یابی به رفاه و آسایش بیشتر است. در حالیکه قرآن کریم در کنار بهره های مشروع مادی، اهداف مقدس معنوی همچون عبرت آموزی، تدبیر، خدمت به دیگران، و ترویج دین را نیز برای گردشگری برمی شمارد.

۲- مطابقت با فطرت:

برخی از پژوهشگران از اصل فوق با عنوان «اصل تطابق دستگاه تشریح با دستگاه تکوین» یاد کرده‌اند. (جناتی شاهرودی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵)

در سرشت تمامی انسان ها ویژگی های مشترکی (فراتر از غرائز مادی) وجود دارد که آنها را فطرت می نامیم. گرایش به خوبی ها، جمال دوستی و کمال طلبی، عشق و پرستش، گرایش به خلاقیت و ابداع، و ... از این قبیل هستند. (مطهری، ۱۳۷۲ش، ص ۵۰)

قوانین قرآنی با فطرت بشری مطابق هستند و آن را ارضاء می کنند. بر خلاف بسیاری از مقررات بشری که فطرت سالم انسان های پاک، آنها را پس می زند.

۳- در نظر گرفتن کرامت انسانی:

قرآن کریم برای انسان کرامت ویژه ای قائل است و او را بر جمیع مخلوقات برتری می دهد. (اسراء، ۷۰، کهف، ۲۷؛ ابراهیم، ۳۲ و ۳۳؛ و بقره، ۳۰) این کرامت در تک تک مقررات و آموزه های قرآنی خود را نشان می دهد. در عین حال قرآن کریم برای انسان اصالت قائل نیست و او را محور هستی نمی داند.

همچنین از منظر قرآن کریم جان انسان ها محترم است و اگر کسی متعرض جان یک انسان شود جنایت جبران ناپذیری مرتکب شده است. (مائده، ۳۲) گذشته از لزوم احترام به جان یکدیگر کسی حق ضایع کردن جان خود را نیز ندارد. (بقره، ۱۹۵)

۴- منعطف بودن و تدریج:

قرآن کریم هرگز بر بشر سخت نگرفته و در عین حال که او را مسئولیت پذیر و متعبد تربیت می کند از سخت گیری و تکالیف دشوار و غیر قابل تحمل پرهیز نموده است:

«ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده، ۶)

خدا نمی‌خواهد، تا بر شما هیچ تنگ بگیرد.

در راستای همین انعطاف‌پذیری و آسان‌گیری است که قرآن کریم برخی از تشریحات خود را به صورت تدریجی و طی چند مرحله بیان داشته و اقتضائات مخاطب را در نظر گرفته است.

به عنوان نمونه می‌توان به حکم ممنوعیت شرب خمر در قرآن کریم اشاره کرد.

با توجه به عمومیت شرابخواری در جامعه صدر اسلام، ممنوعیت شراب در اسلام به صورت تدریجی صورت گرفت و در هر مرحله بستر سازی لازم جهت بیان حکم در مرحله بعد، مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب که:

در مرحله‌ی اول بیان شد که می‌توان از میوه‌های شراب‌ساز، رزق نیکو هم به دست آورد. (نحل، ۶۷)

در مرحله دوم گفته شد که ضرر شراب بیش از منفعت آن است. (بقره، ۲۱۹)

در مرحله‌ی سوم دستور داده شد که در حال مستی نماز نگذارید. (نساء، ۴۳)

در مرحله‌ی چهارم به صورت قاطع شراب‌خواری ممنوع شد (مائده، ۹۰) و شراب به عنوان چیزی پلید و از اعمال شیطانی معرفی شد. (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۸۹)

در احکام دیگری همچون وجوب پرداخت زکات و رعایت حجاب، و حرمت قمار، ربا، برده داری، و ... نیز این شیوه به کار رفته است.

۵ - فراگیری و شمول:

آموزه‌های قرآنی متناسب با همه نیازهای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، فعلی و شأنی و در یک کلام هر آنچه در مسیر سعادت به آن نیاز دارد طراحی شده و هیچ کاستی در آن مشاهده نمی‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ.» (نحل، ۸۹)

و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر همه چیز است.

۶ - مخاطبان گسترده:

خطاب‌های قرآن عام است و همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی مخاطب قرآن کریم هستند. این ویژگی منحصر به فرد قرآن به دلیل خاتمیت دین مبین اسلام و پیامبر آن است که وظیفه هدایت بشر تا قیامت را بر عهده دارد.

۷ - با محوریت عدالت:

در سراسر تشریحات قرآنی، بر عدالت و رعایت حقوق متقابل افراد و اصناف مختلف تأکید شده است. ۱.

تعابیری مانند «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)، «وَ لِيُكْتَبَ بَيْنَكُمْ بِالْعَدْلِ» (بقره، ۲۸۲)، «وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره، ۲۸۰)، و ... منعکس کننده این رویکرد هستند. ضمن آن که مقایسه احکام و قوانین قرآن با سایر مکاتب، این ویژگی تشریحات قرآنی را روشن تر خواهد کرد.

۸ - قاعده‌مندی و تضمین اجرا:

قرآن کریم مجموعه‌ای به هم پیوسته و جامع از احکام و آداب را پیش روی بشر نهاده و ضمانت داده است که در صورت عمل کردن به تمامی این مقررات (و پرهیز از پیروی گزینشی و سلیقه‌ای) هر فرد و جامعه‌ای به رستگاری خواهد رسید. (مائده، ۱۶ و اسراء، ۹)

۹ - عدم تعارض با عقل:

قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت تعقل و بهره‌گیری از این حجت باطنی پافشاری کرده است.

بر این اساس، برهان‌های توحیدی و کلامی استواری نیز در قرآن مشاهده می‌شود که هر مخاطب غیرمتعصبی در برابر آنها خاضع خواهد شد. در سایر موضوعات و احکام نیز هیچ‌گونه عقل‌ستیزی در قرآن کریم مشاهده نمی‌شود. (واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ص ۵۶)

برای تشریحات قرآنی ویژگی‌های دیگری همچون بیان تشویقی و کارکردی، تنوع در لحن بیان، پراکندگی در عین انسجام و ... نیز بیان شده است. (کریمی، ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن کریم در آموزه‌های معصومین، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۵۲)

ب - ادله درون دینی:

به این مسأله در آیات و روایات فراوانی اشاره شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- آیات:

در آیات متعددی از قرآن کریم بر وجود «برنامه جامع زندگی» در این کتاب آسمانی تأکید شده است. از جمله:

الف. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷) هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.

قرآن در آیه فوق به بندگان وعده قطعی می‌دهد که در صورت رعایت حریم الهی در مقام عمل، در دنیا برای آنها «حیات طیبه» رقم بزند و رستگاری اخروی آنها را نیز تأمین نماید. حیات طیبه مفهوم عامی است که تمامی ابعاد زندگی را دربر می‌گیرد.

ب. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و فرستاده‌اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند، که شما را حیات می‌بخشد.

حیات در این آیه، گذشته از معنای ظاهری زندگی دنیایی، می‌تواند حیات معنوی را نیز شامل شود که قرآن کریم دستیابی به آن را برای پیروان خود ضمانت کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ج ۹، ص ۴۴)

ج. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱) [این] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، بخاطر اینکه مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر و ستوده.

ظلمات و نور در این آیه، استعاره از گمراهی و هدایت هستند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۲، ص ۵۳۷) مفرد آمدن «نور» در برابر ظلمات که جمع است می‌تواند به این نکته اشاره داشته باشد که راه هدایت تنها یکی است و سایر مکاتب در رساندن بشر به سعادت ناکارآمد هستند. (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۱۹، ص ۵۸)

این آیه شریفه هدف اساسی قرآن و سالت پیامبرص را هدایت بشر از تاریکی‌ها به سوی زندگی نورانی معرفی می‌کند و نمونه بارز این تحول و «فرهنگ آفرینی» نیز در زمان نزول قرآن به نمایش گذاشته شد تا وجود این قابلیت برای قرآن کریم به اثبات برسد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ج ۴، ص ۴۲۲)

د. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ؛ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده، ۱۵ و ۱۶) به یقین برای شما از جانب خدا، نور و کتابی روشنگر آمده است. خدا کسی را که از خشنودی او پیروی کند، بوسیله آن، به راه‌های سلامت، راهنمایی می‌کند و به رخصت خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد و به سوی راهی راست راهنمایی می‌کند.

بر اساس آیه فوق، هر کس در راه رضای خدا گام بردارد و شیوه زندگی خود را از قرآن اتخاذ کند، در سایه‌ی قرآن به سه نعمت بزرگ دست می‌یابد: هدایت به سلامت همه‌جانبه؛ حرکت از تاریکی‌ها به سوی نور؛ و هدایت به راه مستقیم که سعادت دنیا و آخرت او را تأمین می‌نماید.

ه. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء، ۹) در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می‌کند؛ و به مؤمنانی که [کارهای] شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است.

مقصود از اقوم، «عادلانۀ تر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ماده قوم) صاف‌تر و استوارتر» بودن هدایت‌های قرآنی نسبت به سایر هدایت‌هاست. (ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۳)

قرآن به آیین، قوانین و راهی راهنمایی می‌کند که پابرجاترین و صاف‌ترین راه‌هاست؛ چرا که:

- عقایدی را ارائه می‌کند که روشن و خالی از خرافات است.
- هماهنگی بین عقیده، عمل و عالم طبیعت برقرار می‌کند و همه را به سوی خدا می‌خواند.
- قوانین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارائه می‌کند که همه‌ی جنبه‌های مادی و معنوی انسان را رشد می‌دهد.
- از افراط و تفریط در برنامه‌های عبادی و صفات اخلاقی و مواد غذایی جلوگیری می‌کند.
- نظامی حکومتی بر اساس عدل و مبارزه با ستمکاری پیشنهاد می‌کند. (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۲، ص ۴۰)

پس قرآن در همه‌ی زمینه‌ها به روشن‌ترین، صاف‌ترین و استوارترین قانون دعوت می‌کند که با ساختمان روح و جسم و جان انسان هماهنگ‌تر است.

اگر چنین ظرفیتی در قرآن هست (که هست و در جوامع گوناگون تجربه شده است) توجیهی برای استنباط بایسته‌های گردشگری از غیر قرآن وجود ندارد.

۲- روایات:

در روایات نیز تأکید فراوانی بر ضرورت استنباط همه مسائل مستحدثه از قرآن مشاهده می شود. روایات ناظر به این موضوع را می توان در چهار دسته زیر سامان داد:

دسته اول: روایاتی که ریشه همه آموزه های دینی را در قرآن می داند. مانند روایت زیر که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ صَ وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا.» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۵۹)؛ خدای تبارک و تعالی چیزی از احتیاجات امت را وانگذاشت جز آنکه آن را در قرآنش فروفرستاد و برای رسولش بیان فرمود و برای هر چیز اندازه و مرزی قرار داد و برای رهنمائی آن رهبری گماشت و برای کسی که از آن مرز تجاوز کند کیفری قرار داد.

دسته دوم روایاتی هستند که به مسلمانان توصیه می کنند در ناملایمات فردی و اجتماعی به قرآن پناه ببرند. رسول خدا ص در روایت مشهوری می فرماید:

«... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ ... مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرٍ سَبِيل.» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۲) هر گاه آشوب ها چون شب تاریک شما را فرا گرفت به قرآن رو آورید ... هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که (از آن پیش افتد) و آن را پشت سر خود قرار دهد به دوزخش کشاند، و قرآن راهنمائی است که به بهترین راه ها راهنمائی می کند.

دسته سوم روایاتی هستند که مسلمانان را به آموختن معارف و حلال و حرام قرآن ترغیب می کنند. روشن است که این آموزش، مقدمه «استنباط از قرآن» است. در روایتی از رسول خدا ص می خوانیم:

«تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ، وَ تَعَلَّمُوا غَرَائِبَهُ، وَ غَرَائِبُهُ فَرَائِضُهُ وَ حُدُودُهُ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى خَمْسَةِ وُجُوهِ: حَلَالٍ، وَ حَرَامٍ، وَ مُحْكَمٍ، وَ مُتَشَابِهٍ، وَ امْتَالٍ، فَاعْمَلُوا بِالْحَلَالِ، وَ دَعُوا الْحَرَامَ، وَ اعْمَلُوا بِالْمُحْكَمِ، وَ دَعُوا الْمُتَشَابِهَ، وَ اعْتَبِرُوا بِالْامْتَالِ.» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۵۷)

علم قرآن را بیاموزید، و غرائب آن را فرا گیرید؛ غرایب آن احکام واجب و حدود آن است، چه قرآن بر پنج وجه (موضوع) نازل شده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و امثال. پس به حلال عمل کنید، و حرام را فرو گذارید، محکم را به کار بندید، و متشابه را رها کنید، و از امثال عبرت بگیرید.

دسته چهارم روایاتی هستند که تجلی قرآن در سیره اهل بیت ع را به نمایش می گذارند. ائمه علیهم السلام به عنوان انسان های کامل و والاترین الگوهای بشری، منش خود را به قرآن مستند می کردند. به عنوان نمونه در روایتی می خوانیم کنیزی نزد امام حسین علیه السلام آمد و او را به یک دسته گل تحیت گفت. آن حضرت فرمود: تو برای رضای خدای تعالی آزادی! راوی پرسید: او تو را به یک دسته گل تحیت گفت که چندان قدر و قیمتی ندارد و تو او را آزاد کردی؟! فرمود: حق سبحانه و تعالی چنین ما را تادیب فرمود که: إِذَا حُبِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا وَبِهْتَرِ از آن تحیت، آزادی او است. (بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۸۳. حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۳)

سه. نمونه‌ها:

پس از اینکه خطوط کلی و راهکارهای اصلی استنباط به طور اجمالی روشن شد نوبت به تطبیق آنها بر مصادیق و به کارگیری قواعد پیش گفته است. قرآن کریم تنها کتاب آسمانی تحریف نشده، و مرجع وحیانی پاسخ‌گویی به نیازهای بشر تا قیامت است که سیر و سفر و سیاحت و گردشگری هم یک از این نیازهاست. درباره‌ی سیر روی زمین در قرآن بسیار سفارش شده است. ۱۴ آیه یا مستقیماً امر به گردشگری نموده است. با "سیرو فی الارض" تاکید شده و یا با طرح سوال مانند افلم یسیروا فی الارض خداوند غیر مستقیم امر به گردشگری می‌فرماید. (شالچیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶)

در این قسمت تعدادی از آیات که به طرز ملموس تری به موضوع سیر و سیاحت و گردشگری ناظر هستند مورد بحث قرار گرفته اند:

الف. موسی علیه السلام و خضر علیه السلام:

یکی از افرادی که در قرآن در مورد وی سفرهای متعددی (القصص / ۲۹- الکهف / ۶۲) ذکر شده است حضرت موسی علیه السلام می باشد. یکی از مهمترین این سفرها جریان مسافرت حضرت موسی علیه السلام به همراه جناب خضر علیه السلام برای بهره‌مندی از علمی است که نزد خضر علیه السلام بود. در جریان این همراهی که از ابتدا با اخذ تعهد صورت گرفت اتفاقاتی روی داد که نهایتاً منجر به جدائی حضرت موسی علیه السلام از خضر علیه السلام گردید. یکی از فوائد مسافرت رسیدن به علم و آگاهی و بهره‌مندی از استاد است که گرچه همراه با سختی است اما ارزش و بهره آن جبران سختی راه را می نماید. بنابراین جویای علم گاهی برای رسیدن به آن باید حرکت کند و در عالم سیر

نماید(قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۵، ص: ۲۰۰). از مطالب مهم دیگری که در این همراهی و تبعیت فراگیر از استاد نهفته است ادبی مانند تواضع در پیشگاه استاد است که به ظرافت در این آیات جای داده شده است که برخی از مفسرین به آن اشاره کرده اند.(فخر الدین رازی، ۱۴۲۰ ق ، ج ۲۱، ص ۴۸۳- صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۸، ص ۱۴۸)

ب. سفر اصحاب کهف:

وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (کهف/ ۱۶)

اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستند، کناره گرفته‌اید، پس به این غار پناه بگیرید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارتان آسایش و آسانی فراهم آورد.

گاهی نیاز است انسان مومن با هجرت و سفر خود را از فضای آلوده دور کند و در عین حال به این نکته یقین داشته باشد که این دوره موقتی بوده و مورد رحمت الهی در دنیا و آخرت قرار خواهد گرفت.(قرائتی، ۱۳۸۳ ش، ج ۵، ص: ۱۴۹. بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۲۷۵)

ج. سفر برای تامین نیازها:

مولى تفسير اطيّب البيان ذيل آيه وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا لِيَسْأَلُكُمُوهَا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (نوح/ ۱۹ و ۲۰) «و خدا زمين را بر شما فرشى گسترده قرار داد، تا از راهها و جاده‌هاى وسيع آن [هر جا كه خواستيد] برويد»

آورده است که خداوند زمین را بزرگ خلق کرد و در آن راه‌های بسیار قرار داد تا انسان در صورت نیاز به برآورده کردن احتیاجات خود از محلی به محل دیگر رفته و ما یحتاج خود را تأمین کند.(طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۳، ص: ۲۱۳)

مفسرین «فجاج» را جمع «فج» به معنای مختلف و گوناگون ذکر نموده اند.(طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۹، ص: ۶۱- سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص: ۲۶۹)

د. حفظ استقلال فرهنگی:

یکی از آسیب‌هایی که ممکن است گردشگری برای جوامع متدین داشته باشد، تأثیرپذیری فرهنگی جامعه از فرهنگ بیگانه است. قرآن کریم در یک قاعده کلی و راهبردی می‌فرماید:



«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۱۴۱)

خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.

آیه فوق در رابطه با استقلال سیاسی و نظامی جامعه اسلامی شهرت دارد؛ اما بدون شک انحصاری به این موضوع ندارد و جوانب مختلف را شامل می‌شود. یکی از ابعاد این آیه می‌تواند استقلال فرهنگی باشد که در جامعه اسلامی لازم است حفظ گردد و تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار نگیرد.

چهار. آثار استنباط اصول گردشگری از قرآن:

اکنون که ضرورت و لزوم استنباط بایسته‌های گردشگری از قرآن کریم روشن شد، لازم است پاره‌ای از ثمرات گوارای این بحث ذکر شود تا اهمیت آن بیش از پیش روشن گردد. مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

۱- توجه به سعادت دنیا و آخرت انسان:

چنان که گذشت، قرآن کریم تمامی ابعاد زندگی بشر را در نظر گرفته و در صورتی که به آموزه‌های انسان‌ساز قرآن عمل شود، دنیا و آخرت انسان‌ها آباد می‌شود. این همان وعده‌ای است که در خود قرآن نیز به آن اشاره شده است. (نحل، ۹۷)

۲- مورد توجه قرار گرفتن قرآن:

قرآن کریم گلابه رسول خدا ص را در روز قیامت نسبت به رها شدن قرآن توسط امت، گزارش می‌کند. (فرقان، ۳۰) مهجوریت قرآن ابعاد مختلفی دارد و شامل کوتاهی مسلمانان در تلاوت، حفظ، تدبر، ترجمه، تفسیر و ... می‌شود. اما مهم‌ترین بُعد مهجوریت قرآن، فاصله گرفتن آن از صحنه زندگی مسلمین است.

استنباط ابعاد مختلف زندگی از قرآن موجب حضور قرآن در متن زندگی می‌شود و از این رهگذر می‌توان (در حد توان) از قرآن مهجوریت زدایی کرد.

۳- ملموس شدن آموزه‌های قرآنی:

قرآن کریم دستورات خود را در قالب قواعد کلی و فراگیر بیان می‌کند و نوعاً به جزئیات و مصادیق نمی‌پردازد. از این‌رو ممکن است کارایی آن در صحنه زندگی بشر (خصوصاً در عصر حاضر) چندان برای عموم مردم ملموس



نباشد. اما اگر این قواعد کلی به صورت روشمند استخراج، و بر مصادیق امروزی خود تطبیق شوند و در صحنه اجتماع مجسم گردند، جامعه اسلامی شیرینی هدایت‌های قرآنی را بیش از پیش خواهد چشید.

این مسأله همچنین در «اثبات کارآیی دین» و «نقش آفرینی دین در تمامی عرصه‌ها» تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۴- گسترش فرهنگ اسلامی:

بدون تردید قرآن کریم ظرفیت هدایت کل بشر را در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد و طیف وسیعی از مردم جهان از این توفیق محروم هستند. بی‌شک با توجه به عطشی که جهانیان نسبت به یک برنامه جامع برای فرد و اجتماع دارند چنین کاری علاقه و انگیزه آنان را نسبت به قرآن و دستورات آن بیشتر خواهد کرد.



جمع بندی و نتیجه گیری:

از آنچه گذشت و با توجه به روایات متعددی که در مورد موضوعات مختلف و مرتبط با سیر و سیاحت مثل اهمیت مسافرت (مجموعه ورام ج ۲، ص ۳۳) باری رساندن به مسافرین (مکارم الاخلاق، ص ۲۶۶) و یا مدارا نمودن با دیگر همسفران در مسافرت (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۲؛ المحجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۶۰) در شریعت اسلام وارد شده است پی به اهمیت این موضوع و نیاز به واکاوی و بررسی تمام جوانب گردشگری و سفر خصوصاً ضرورت استنباط اصول آن از منابع غنی دینی می‌بریم.

بنابراین طی این پژوهش روشن شد که گرچه احکام ثابت قرآنی تا قیامت پابرجا و لا یتغیر هستند اما برخی موضوعات همواره در حال تغییر و تحول اند و در هر زمان مصداق جدیدی پیدا می‌کنند.

استنباط اصول حاکم بر گردشگری از قرآن کریم ضرورتی اجتناب ناپذیر است که به صورت روشمند و متناسب با این تحولات، این نیاز جامعه بشری را پاسخ می‌گوید. شایسته است قرآن پژوهان و دانشمندان علوم اسلامی بیش از پیش به تدوین روش شناسی معتبر در این زمینه بپردازند تا در هر زمان تطبیق آموزه های دینی بر مصادیق عصری، عالمانه صورت گیرد.

پی نوشت ها:

جهت مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به مقاله: جلوه های عدل الهی در تشریح و تقنین؛ نویسنده: سبحانی تبریزی، جعفر، مجله درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۳، ص ۸.

منابع:

۱. قرآن کریم (با ترجمه گروهی دکتر رضایی اصفهانی و همکاران)
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا، مؤسسه التاریخ.
۴. ابن فارس، احمد (۱۳۸۷ش)، معجم مقاییس اللغه، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۶. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ه.ق)، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۱ ق)، حلیة الأبرار فی أحوال محمد (ص) و آله الأطهار (ع)، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۸. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. ثواقب جهانبخش و همکار (۱۳۸۸ش)، سیر و سیاحت در قرآن مجید، قم، بوستان کتاب.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه.ق)، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
۱۱. جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم (۱۳۸۵ش)، فقه و زمان، احیاگران، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، چاپ اول.
۱۳. حیدری چیانه، رحیم (۱۳۸۹ش)، مبانی برنامه ریزی صنعت گردشگری. انتشارات سمت.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم. چاپ اول.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۶. رکنی یزدی، محمد مهدی (۱۳۷۹ ش)، آشنایی با علوم قرآنی، مشهد و تهران، آستان قدس و انتشارات سمت.
۱۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۱۹. شالچیان، طاهره (۱۳۸۵) آداب و فرهنگ سفر، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
۲۲. طبری ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش)، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، چهارم.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی (لطوسی)، قم، دار الثقافة.
۲۵. طیب سید عبد الحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، دوم.
۲۶. عظیم زاده، فاتزه (۱۳۸۰ش)، وهمکاران، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران، بنیاد قرآن.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر (محقق: رسولی محلاتی، سیدهاشم)، تهران، المطبعة العلمیة.
۲۸. فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۳ق)، الْمَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ فِي تَهْذِيبِ الْأَحْيَاءِ، جامعه مدرسین.
۳۱. قرائتی محسن، تفسیر نور (۱۳۸۳ش)، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، یازدهم.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. کریمی، مصطفی (۱۳۹۲ش)، ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن کریم در آموزه های معصومین، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. معین، محمد (۱۳۸۶ ه ش)، فرهنگ معین، زرین.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (عليهم السلام)، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، حقوق و سیاست در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ه ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.

۴۱. ولایی، عیسی (۱۳۸۷ ش)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، چاپ ششم.

۴۲. واعظ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ش)، انتظار بشر از دین، محقق: محمد رضا مصطفی پور، قم، نشر اسراء، چاپ ششم.

۴۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹ ش)، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

